

شہنشاہ

تألیف و گردآوری: علی اکبر شریعتی

ویرایش: آوانکاری: سیدعلی نقیب القراء

به همت کانون فرهنگی کوی شاه ابوالقاسم یزد

سرشناسه	: شریعتی، علی اکبر. ۱۳۰۵ - ۱۳۷۹
عنوان و نام پدیدآور	: شهرمن یزد- نویسنده علی اکبر شریعتی
مشخصات نشر	: یزد. لاله کویر. ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۶۹۶ ص
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۱۴۶ - ۵۲ - ۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: شهر من یزد: فرهنگ عامیانه مردم یزد
موضوع	: فرهنگ عامه- ایران- یزد(استان)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ش ۴/ GR۲۹۱
رده بندی دیویی	: ۳۹۸/۰۹۵۵۹۲۲
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۱۱۱۸۵۲



انتشارات لاله کویر

• نام کتاب: شهرمن یزد

• نویسنده و گردآوری: علی اکبر شریعتی

• ویرایش و آوانگاری: سید علی نقی القزاق

• ناشر: انتشارات لاله کویر

• نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۲

• شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

• صفحه آرائی: مؤسسه تبلیغاتی اعتبار کویر ۶۲۱۵۶۴۵

• قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال - یا جعبه ۲۵۰۰۰۰ ریال

• شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۱۴۶ - ۵۲ - ۳

انتشارات لاله کویر: یزد، بلوار ۱۷ شهریور - بلوار شیخ کلینی - کوچه ۱، تلفن: ۵۲۴۲۶۷۰

□ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

سخنی در باب نویسنده‌ی شهر من یزد
سخنی با خواننده
سخنی ناشر
سخن مؤلف
یادداشت کانون فرهنگی شاه ابوالقاسم
فرهنگ عامه بنیانی پرریشه و ظریف
یزد در نگاه تاریخ

بازی‌های سنتی کودکان:

۲	اتلک، توتتلک:
۳	اتلک توتتلک ۱:
۴	اتلک توتتلک عربی:
۵	اتوک کلی:
۶	اتل مثل:
۷	اتولک بازی:
۸	آحندش:
۹	آسا آسا:
۱۰	آسا بدو:
۱۱	آسا بدو «به روایی دیگر»:
۱۲	آسا برس بازی:
۱۳	آسای زنجیل باف:
۱۵	آسو فرج برس، جا کشتیم:
۱۶	آغل بازی:
۱۷	التلنگک بازی:
۱۸	انگش بازیک:
۱۹	اولی اول بهاره:
۲۰	این چیشید:
۲۱	باقلی به چن من:
۲۲	بچه بازی، ورجه بازی:
۲۳	بغچه بازی:
۲۴	پالکی یک:
۲۵	پرک پرک:
۲۶	پسه کش، تل جسن:
۲۷	ترش بالا بازیک:
۲۸	تس بازیک:
۲۹	تلک بازی:
۳۰	تورونه بازی:
۳۱	جگر جگر:
۳۲	جش قایم بازیک:

۹۴	یا علی موسی الرضا
۹۶	بچا وافوری چه زشته
۹۹	بشکن بشکن
۱۰۲	بیبیزم یا نبیزم
۱۰۶	پهلوان بازی
۱۰۸	پیر مرد شصت ساله
۱۱۱	حالا مرم تو افتووه
۱۱۴	حلاجه حلاجه
۱۱۵	خاله، خاله کی خر مکشی
۱۱۷	خانم خانم پیش بیا
۱۱۹	خاله خمیرک
۱۲۱	خستر ندیدم
۱۲۴	ریدر ریده
۱۲۵	رقص مجسمه
۱۲۶	سیدگرم سیدگرم
۱۲۹	شتر قطار مرن
۱۳۰	علی لولوی لولوی
۱۳۴	قر و قرصابه
۱۳۸	کل کماج
۱۴۰	کیل کیلک
۱۴۱	کوچیکترک بزرگترک
۱۴۳	ماس، ماس
۱۴۵	میون کوفته نخودک
۱۴۸	نسکرانی جون
۱۵۰	ننه بی بی روم نمشه بگم
۱۵۴	ننه مراوری ننه
۱۵۷	هی هورپته پتینا

داستانهای عامیانه:

۱۶۲	نمدی کلاه (گلایه از دختر دم بخت)
۱۶۵	افسانه حلقه بگوش
۱۶۷	علی چغندر
۱۷۱	چوغورک اشی مشی
۱۷۴	عاروس و مادر شوهر
۱۷۷	درخت کشک
۱۷۸	رفتم به باغ کاکا
۱۸۰	روزی بود و روزگاری بود
۱۸۱	روایتی از ننه جان
۱۸۲	علک بابا
۱۸۳	حلیم خوردن یزدی
۱۸۴	محرم المبارک، رمضان الحرام
۱۸۵	نمکک
۱۸۷	نیم من بوق ابن پشم پونزده

۱۸۸	یک سر و هزار سودا:
۱۸۹	افسانه یی دیگر در موضوع خانوادگی:
۱۹۰	اکبر آغا آب هندونه:
۱۹۱	چرندیات:

دوبیتی‌های عامیانه:

۱۹۴	دوبیتی‌های عامیانه:
-----	---------------------

القاب مصطلح عامیانه:

۲۵۴	القاب عامیانه:
-----	----------------

ترانه‌های محلی:

۲۶۶	ای بچکای ناشی:
۲۷۰	ای خالما ای اغایون:
۲۷۴	اول باریم سره:
۲۷۶	ترانه چوپان:
۲۷۷	جونم تو باشی:
۲۷۸	چین می چینم که چینه شده:
۲۸۰	عاروش کشونی:
۲۸۴	عزیزم شهر بانو:
۲۸۷	فلفل و زیره:
۲۸۹	مرد غریبم زی همیه:
۲۹۰	هیده و هیده و نوزه و بیس:
۲۹۱	هما دربدرم کرد:
۲۹۴	یار حریرم:
۲۹۶	لالائی‌ها:

آگرها و باورها:

۳۰۰	آگرها و باورها:
۳۰۵	دعاها:
۳۰۸	نفرین‌ها:
۳۱۰	خوب نیست:
۳۱۲	خوب است:
۳۱۳	کارگشایی:
۳۱۳	دفع شر مهمان پر مدعا:
۳۱۴	برگرداندن محبوب یا شوهر از مسافرت:
۳۱۴	زن زائو:
۳۱۵	مرغ:

اصطلاحات رایج:

۳۱۸	اصطلاحات رایج:
-----	----------------

آداب معاشرت:

۳۸۸..... آداب معاشرت:

نامه نگاری:

۳۹۴..... نمونه هایی از نامه و نامه نگاری در گذشته در شهر یزد :
۳۹۶..... عریضه:
۳۹۶..... برات:
۳۹۶..... نامه ای دیگر:
۳۹۸..... نامه ای به برادر:

مکتب خانه ها:

۴۰۲..... شروع درس در مکتب خانه ها:
۴۰۲..... انواع تنبیه و مجازات به وسیله ی ملا مکتبی ها:

خواستگاری:

۴۱۰..... مراسم خواستگاری در شهر یزد:
۴۱۱..... حمام رفتن عروس و داماد قبل از رفتن به خانه داماد:
۴۱۵..... صورت جهیزیه عروس در گذشته:
۴۱۷..... مراسم خواستگاری و عروسی در روستانا:
۴۲۴..... سروده یی درباره نو رسیده:
۴۲۶..... ختنه سورون:
۴۲۹..... سور زنانه:
۴۳۰..... سور مردانه:

نوروز در یزد:

۴۳۴..... نوروز در یزد :
۴۳۴..... خوان نوروزی:
۴۳۵..... شب پنجه:
۴۳۵..... چهارشنبه سوری:
۴۳۷..... خانه تکانی:
۴۳۸..... نظافت شخصی:
۴۳۸..... نظافت عمومی کوچه محلهای شهر:
۴۳۹..... لحظه تحویل سال در گذشته ها:
۴۳۹..... حاجی فیروزه و سالی یکروزه:
۴۴۰..... سفره هفت سین:
۴۴۱..... طرز تهیه تخم مرغ رنگ آمیزی شده:
۴۴۱..... مناسبت های حرف سین:
۴۴۲..... ماهی سرخ:
۴۴۲..... دید و بازدیدها:
۴۴۲..... عیدی:

۴۴۳..... نوروز سلطانی:
۴۴۳..... مراسم سیزده به در:

زیارت:

۴۴۶..... مقدمات و آداب زیارت:

عزاداری‌ها:

۴۵۲..... مراسم عزاداری و ایام محرم:
۴۵۲..... تعزیه در یزد و حومه:
۴۵۲..... هیئت‌های عزاداری:
۴۵۳..... نخل (نقل) برداری:
۴۵۴..... جریده:
۴۵۵..... علامت:
۴۵۵..... چاپچراغ:
۴۵۵..... شعله:
۴۵۵..... علم:
۴۵۵..... طوق:
۴۵۶..... عزادخانه‌های یزد:

موقوفات:

۴۵۸..... موقوفات:

صنایع دستی:

۴۶۶..... صنایع دستی در یزد:
۴۶۶..... شعربافی:
۴۶۹..... واژگان (شعربافی) در قالب شعر:
۴۷۱..... غالی بافی:

دریها:

۴۷۸..... انواع دریهای قدیمی:

اربونه:

۴۸۲..... اربونه:
۴۸۶..... سروده ای با ضرب آهنگ اربونه:

نانوایی:

۴۹۰..... نانوایی:

بازار و بازارچه‌ها:

۴۹۶..... حرفه‌های متروکه یزد:

۴۹۶.....	بازار و بازارچه‌های معروف:
۴۹۷.....	دروازه های شهر یزد:
۴۹۷.....	محل ها و گذرگاههای معروف شهر یزد:
۴۹۸.....	کاروانسراها، مساجد، حمام‌ها، داروخانه‌ها و بیمارستانهای قدیمی در یزد:

حمام‌ها:

۵۰۲.....	حمام‌های عمومی خزینه‌دار قدیم در یزد:
۵۰۷.....	تعارفات و تشریفات:
۵۰۸.....	پرداخت حق الزحمه به کارگران حمام:
۵۰۹.....	گرمخانه یا ری حمام - سر حمام:
۵۰۹.....	قرق کردن حمام:
۵۱۰.....	وسایل شخصی و لوازم حمام:
۵۱۰.....	بوق حمام:
۵۱۰.....	فاضلاب حمام:
۵۱۰.....	پادوهای حمام:
۵۱۱.....	اصلاح و آرایش در حمام:
۵۱۱.....	حمام‌های معروف یزد:

غذاها و خوراکی‌ها:

۵۱۴.....	نون (نان):
۵۱۴.....	اوگوش (آبگوشت):
۵۱۵.....	اشکنه:
۵۱۵.....	آجیل ها و تنقلات:
۵۱۶.....	کش (کشک):
۵۱۶.....	پلو:
۵۱۶.....	آش:
۵۱۷.....	شولی:
۵۱۸.....	میوه جات:
۵۱۸.....	روغن های خوراکی:
۵۱۹.....	مرباجات:
۵۱۹.....	ترشی ها:
۵۱۹.....	عرقهای گیاهی:
۵۱۹.....	سبزی‌ها:
۵۱۹.....	شیرینیجات:
۵۲۰.....	فهرستی از مجموعه خوراکی‌های درهم:
۵۲۱.....	خوراکیهای گوناگون با نان:
۵۲۱.....	خوراکیهای متنوع دیگر:
۵۲۲.....	آش ابودرده:
۵۲۲.....	گوشت خشک:
۵۲۳.....	قورمه گوشت:

طب عامیانه:

- ۵۲۶..... طب و طبیب:
 ۵۲۷..... کولیا:
 ۵۲۷..... نسخه پیچی:
 ۵۲۷..... دواى واير:
 ۵۲۷..... قالوله (قاروره):
 ۵۳۰..... سفره‌ی ابوالفضل (علیه السلام):
 ۵۳۰..... سفره‌ی حضرت رقيه (سلام الله علیها):
 ۵۳۱..... مداوای عامیانه به وسیله داروهای طب سنتی:
 ۵۳۲..... اسامی بعضی از داروهای خوراکی بیماران:
 ۵۳۹..... چرچین:

زرتشتیان:

- ۵۴۹..... زرتشتیان:
 ۵۴۴..... مطالی دوباره رسم مسلمانان:
 ۵۴۴..... انواع چراغ ها و شمع ها:
 ۵۴۵..... چراغ برق در یزد:

یزد از دیدگاه شاعران:

- ۵۴۸..... حماسه ای از دیار کهن:
 ۵۴۹..... خشه:
 ۵۵۱..... درد دندان:
 ۵۵۲..... سلام بر یزد:
 ۵۵۴..... سلام ای یزد:
 ۵۵۵..... سوز تو شمع شبستان ندارد:
 ۵۵۶..... شهر من یزد:
 ۵۵۷..... کویر سبزم و خرم:
 ۵۵۸..... یزد عروس کویر:
 ۵۵۹..... وصف یزد:

متل‌ها:

- ۵۶۲..... متل‌ها:

واژه‌ها:

- ۵۷۲..... واژه‌ها:

سخنی در باب نویسنده‌ی شهر من یزد

دو عنصر شهر کهن و سرافراز یزد در طول تاریخ از گزند و آسیب برکنار بوده است، نخست، معماری و آثار تاریخی ارزشمند آن که به مدد هوای خشک و کم باران کویری و عنایت ویژه‌ای که به بافت تاریخی یزد می‌شود، جزء سالمترین و ماندگارترین شهرهای تاریخی ایران برجای مانده و صدها بنا را از سده‌های نخست پیروزی اسلام تاکنون می‌توان در گوشه و کنار این دیار مشاهده نمود. و دیگر فرهنگ دیرپا و مانای آن که علیرغم آمد و شد مهاجمین و مهاجرین و نیز چرخش فرمانروایان و سلسله‌ها و حکومت‌ها در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران، کمتر دستخوش دگرگونی و فراموشی شده است. (بگذریم از آن کنونی که به دلیل چیرگی رادیو، تلویزیون و ماهواره، کم‌کم این آسیب، بیشتر نمود پیدا کرده و شاید چند سال دیگر سخن از فرهنگ بومی سخنی بیهوده، بی پایه و حتی خنده دار باشد).

این فرهنگ صدها سال است که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر سپرده شده و بهتر از هر سند مکتوبی بر جای مانده است. پیشینیان به ویژه نویسندگان و اهل تحقیق کمتر به گردآوری فرهنگ، فولکلور و آداب و رسوم پرداخته‌اند و این رشته ادبی و فرهنگی بی‌گمان جزء رشته‌هایی که کمتر منابع مکتوب از آن بر جای مانده است همیشه فرهنگ عوام و به قول آنها، سخن کوچه و بازار، فرهنگی پیش پا افتاده، سبک، نحیف و مجرد نبوده، از این رو مثلاً می‌بینیم مؤلف تذکره می‌کده در سال ۱۲۶۲ هـ - ق از ذکر شعر و شاعران عامه خود داری کرده و می‌نویسد «اشعار عامیانه بسیار دارد که قابل نوشتن نیست». و تنها موردی که از این گونه فرهنگ مورد عنایت بوده، امثال و حکم است و گر نه از ترانه‌های بومی، بازیها، آداب و رسوم و دیگر جنبه‌های فرهنگ مردم ایران، کمتر نشانی در منابع مکتوب دیده می‌شود.

اگر آثار عبید زاکانی در سده هشتم، لطایف الطوائف تألیف فخرالدین علی صفی و تألیف آقا جمال خوانساری، (سده ۱۲ ق) که بیشتر در نقد خرافات مردم و به شیوه‌ی فکاهی است و همچنین: تذکره یخچالیه نوشته مذهب اصفهانی و مرآت البلهاء نوشته شریعتمدار اصفهانی چاپ ۱۳۰۸ ق که همه به زبان طنز است، استثناء کنیم که به قصد گردآوری فرهنگ عامه تدوین نشده، اما می‌توان از خلال آنها فرهنگ عامه را شکار نموده از اواخر دوره قاجار همگام با آشنایی ایرانیان با فرهنگ

اروپا و تحقیقات اروپایی، گرایش به گردآوری فرهنگ بومی، کم کم در میان اهل پژوهش ایران رایج گشت، اما این توجه بیشتر در نزد فارسی زبانان هندوستان با نگارش فرهنگ آندراج، فرهنگ مصطلحات الشعراء، غیاث اللغات و فرهنگ رشیدی چشمگیرتر است.

در ایران، نخست در خلال برخی کتب ادبی، گوشه هایی به فرهنگ بومی اختصاص یافت و از دوره مشروطه که شعر و ادب از دربار خارج شده و به میان مردم آمد و تصنیف های پرشور انقلابی بر پایه ترانه های کوچه و بازار ساخته شد، فرهنگ بومی رشد چشمگیری یافت؛ برجسته ترین شاعر این سبک، نسیم شمال بوده است.

در اوایل مشروطیت و اوایل عصر پهلوی، ضرورت گردآوری فرهنگ عامه بیشتر نمود پیدا کرد که از پیشگامان آن می توان به علی اکبر دهخدا نویسنده چرند و پرند اشاره نمود که امثال و حکم را گردآورد و پس از وی می توان به صادق هدایت (نیرنگستان)، جمال زاده (فرهنگ لغات عامیانه)، محمود کتیرایی (از پشت تا خشت) علی بلوکباشی (قهوه خانه های ایران) انجوی شیرازی (فرهنگ مردم)، امیر قلی امین (فرهنگ عوام و استانهای امثال)، حسین کریمی کرمانی (هزار ترانه روستایی) جعفر شهری (قد و نمک و تاریخ اجتماعی تهران) و احمد شاملو (کتاب کوچه) اشاره کرد که پای در این راه نهادند و باعث رونق رشته فرهنگ عامه شدند.

اما در یزد از حدود سال ۱۳۳۱ش، زنده یاد علی اکبر شریعتی همگام با بنیان نخستین تماشاخانه (تئاتر) در یزد، به دلیل علاقه شدیدی که به گردآوری فرهنگ بومی یزد داشت، به هر وسیله ای بود، خود را به مجالس و محافل جشن و عروسی و عزاداری در روستاهای دور افتاده یزد می رساند و به ضبط و نگارش دیده ها، شنیده ها و ترانه ها، به ویژه ترانه های تحت حوضی (روحوضی) که رایج بود، می پرداخت. وی با این که حدود بیست سال در اصفهان به کار اجرای تئاتر مشغول بود، اما باز با پیگیری به ثبت بازیها، ترانه ها، مثل ها، مثل ها، شغل ها و هر آنچه که خود دیده و شنیده بود می پرداخت و چه بسا اگر او با پشتکار خود دست به این کار سترگ نرود بود، بسیاری از آنها کلاً فراموش شده بود.

زنده یاد شریعتی با شناختی که نسبت به کلیه نمودهای فرهنگ مردم داشت، از دیر باز همکاری خود را با برنامه فرهنگ مردم که با اجرای خوب سید ابوالقاسم انجری شیرازی (نجوا) در رادیو ایران پخش می شد، آغاز کرد. همه هفته نام آشنای دو یزدی به نامهای علی اکبر شریعتی و هاجر مجیبیان از برنامه فرهنگ مردم به گوش می رسید. هر چند افرادی نیز مانند زنده یاد کریم کشاورز (مجله پیام نو) و محمد تقی عسکری کامران (کتاب هفته) برخی ترانه های یزدی و هاجر مجیبیان بارهای مردم یزد را در مجله فردوسی چاپ می کردند و فعال بودند، اما هیچ کدام به استمرار و عمق کارهای شریعتی نبود.

نگارنده که سالیان سال با آوازه شریعتی از طریق رادیو یزد و خواندن مقاله «تاریخچه مختصر تئاتر در یزد» در کتاب به یادبود یکصدمین سالگرد (سال ۱۳۵۷) آشنا بود، نخستین بار در سال ۱۳۶۵ از نزدیک با آن روانشاد برخورد کرده و با گوشزد نمود اهمیت این کار، زمینه های نگارش سلسله مقالاتی را در هفته نامه ندای یزد با قلم شیرین شریعتی با عنوان «شهر من یزد» باعث شد، مقالاتی که

جزء خواندنی ترین بخش ندای یزد درآمده بود و استادان: ایرج افشار، باستانی پاریزی، شمس آل احمد و تعداد دیگری از صاحب نظران، خواهان استمرار آن بودند.

انگیزه نگارش این مقالات، توان دو چندان به مرحوم شریعتی داد که با شور و شوقی زاید الوصف، دوباره کمر همت به میان بندد و به گردآوری گوشه های دیگری از فرهنگ عامه یزد که برای خود او هم ناشناخته مانده بود، دست بزند. این سلسله مقالات به گونه پیوسته در ۲۱۰ شماره ندای یزد از ۱۳۶۹/۵/۱ تا ۱۳۷۴/۵/۱۶ چاپ شد و هر هفته خوانندگان، مشتاق خواندن و دیدن ذوق و هنر این پیرمرد و عاشق و دلسوخته فرهنگ یزد بودند، زیرا که وی، با زیردستی طرحها و نقاشی های آن را نیز خود ترسیم می کرد.

قدیمی ها کماکان هنرنمایی او را در عرصه نمایش یزد و بازی در نقشهای گروههای مختلف اجتماعی را به همراه علی جان وزیری به یاد دارند؛ او نه تنها در این نقش ها با مهارت تمام بازی می کرد، بلکه با تبحری که داشت صدای آنان را نیز تقلید می کرد. هنوز بازی های او در نمایشنامه های رادیویی رادیو یزد و اجرای خوب ترانه های بومی یزد از خاطرها نرفته است. زمانی حجه الاسلام راشد پور مدیر وقت بنیاد شهید یزد در نخستین جشنواره سینمای جوان استان یزد (سال ۱۳۶۴) با یادآوری بازی خوب و زحمات شریعتی در بیان تاثیر یزد، خواهان تقدیر از خدمات پنجاه ساله او در رشد و شکوفایی هنرنمایش در یزد شده بود.

مرحوم شریعتی حاصل زحمات پنجاه ساله خود در عرصه گردآوری فرهنگ بومی را در حدود سی کلاسور گردآوری کرده و تا آخرین لحظات حیات خود در ۱۳۷۹/۲/۱۹ به گردآوری و غناسازی آن مشغول بود. سابقه دوستی و ارادت اینجانب به شریعتی باعث شده بود که آن زنده یاد با حسن ظنی که به حقیر داشت مرا وصی و صاحب صلاحیت در امر چاپ کتاب شهر من یزد بداند.

اکنون نگارنده بسیار خوشوقت است که می بیند با همت و پیگیری خانواده محترم شریعتی بویژه همسر وفادار و فرزندان و دامادهای خویش، پس از ده سال سال صبر و شکیبایی، ثمره یک عمر تلاش آن روانشاد در قالب کتاب «شهر من یزد» چاپ می شود. جای دارد که از ناشر پیگیر و علاقمند آن آقای محمد حسین خواجه رضایی (مدیر انتشارات لاله کویر) که در شرایط دشوار و گرانی صنعت چاپ و کاغذ، همت به چاپ آن نموده و نیز از آقای نقیب القراء که کار علمی آوانویسی کتاب را عهده دار شدند، آقای سید علی رضوی بهابادی که کار نمونه خوانی را پذیرا شدند و نیز از آقای سید هادی حیدری و آقای مهدی گودرزی که زحمت بازنویسی و ویرایش و تدوین نهایی آن را متحمل شده و خانم فاطمه زارع و خانم دهقان که زحمت حروفچینی و صفحه آرایی آن را به عهده داشته است، نهایت سپاسگزاری را بنماید. باشد که با چاپ این مجموعه گرانسنگ، گامی ارزشمند در راه احیای فرهنگ بوی استان یزد برداشته شده و روح زنده یاد شریعتی شاد شده باشد.

حسین مسرت
یزد- بهار ۱۳۹۰

گویش یزدی بازمانده فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری است. این گویش با توجه به همزیستی که با زمان زردشتی داشته و از آنجایی که یزد در طول تاریخ کمتر مورد حمله و هجوم سایر اقوام، ملل و حکومت‌ها واقع شده و در نتیجه کمتر دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و اصالت خود را حفظ نموده است.

در طول پنجاه سال گذشته تاکنون تحولات اجتماعی و فرهنگی زیادی در ایران صورت گرفته است. مردم روستاها و شهرهای کوچک برای یافتن کار به شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها مهاجرت نموده‌اند. جوانان زیادی برای تحصیل، شهر و دیار خود را ترک کرده به سایر استان‌ها و یا تهران مهاجرت نموده‌اند. استفاده از وسایل ارتباط جمعی مثل روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت روز به روز رو به افزایش هستند. اکنون خانه‌ای یافت نمی‌شود که در آن تلویزیون نباشد. رادیو و تلویزیون با بماران مردم، با گویش تهرانی (فارسی معیار) گویش مردم سایر شهرها و قبایل را تحت تأثیر قرار داده است و دیری نمی‌پاید که گویش‌ها که حاوی آداب و رسوم و فرهنگ هر قوم و قبیله است را مورد هجوم قرار داده آنها را از بین ببرد. اکنون دیگر فرزندان، مثل پدران و مادرانشان و آنها نیز مثل پدربزرگان و مادر بزرگان حرف نمی‌زنند. آنها خود را به گویش معیار نزدیک کرده‌اند و در آینده ای نه چندان دور همگی این گویش‌ها تحت تأثیر عوامل فوق مانند مهاجرت‌ها، تحصیلات، مراکز دانشگاهی، رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی از بین خواهند رفت.

لذا با توجه به موارد فوق لازم است که با ثبت و ضبط گویش‌ها زمینه‌ی حفظ آنها را فراهم کنیم. رادیو و تلویزیون استانها با ضبط و پخش گویش‌های هر قوم به طور طبیعی و زنده و نه به صورت تصنعی و تقلیدی می‌تواند در حفظ آنها کمک کند. زبان‌شناسان نیز با ثبت و ضبط گویش‌ها و بررسی علمی آنها می‌توانند در حفظ آنها مؤثر باشند.

در یزد کار گویشی قابل توجهی صورت نگرفته است. واژه «یاه یزدی» اثر «ایرج افشار» یکی از مهمترین آنهاست که واژگان گردآوری شده و آوانویسی هم شده است ولی واژگان و آوانویسی آنها دارای اشکالاتی می‌باشد. «پله‌های سنگی» اثر «جلالیان» که بخش سوم آن دارای شعرهایی به گویش

یزدی است که به دلیل اعراب‌گذاری ناقص و عدم آوانگاری خواندن آن برای جوانان یزدی هم ساده نیست. «ننه زهرا و پسرش» اثر «عسکری کامران» یکی دیگر از کار گویشی است که در قالب داستان بیان شده و بدون اعراب‌گذاری و آوانویسی می‌باشد. آثار دیگری هم وجود دارد که در آنها گویش یزدی به کار رفته است ولی هیچکدام کامل نبوده و ارزش علمی چندانی ندارد. بندهی حقیر نیز بنا به تخصصی که در زبان‌شناسی دارم بین سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ یک تحقیق علمی با عنوان «گویش یزدی از دریچه‌ی زبان‌شناسی» انجام داده‌ام که متأسفانه تاکنون شرایط چاپ آن فراهم نشده است. امید که این امر در آینده نزدیک میسر گردد.

کار حاضر حاصل یک عمر زحمت و تلاش بی‌وقفه‌ی زنده یاد علی اکبر شریعتی به گویش یزدی در مورد بازیها، آداب و رسوم و فرهنگ عامه یزد با زحمات فراوانی که افراد زیادی طی یک دهه روی آن انجام داده‌اند به شکل کتاب حاضر درآمده و اکنون در دسترس شما قرار گرفته است. مرحوم شریعتی در طول سالهای متمادی، همت به جمع‌آوری فرهنگ عامه مردم استان یزد گماشته است و به هر کجا رفته و با هر کس تماس گرفته، اگر مطلب در خور توجه‌ای یافته آن را یادداشت نموده است که متأسفانه این کار به صورت فیش‌برداری انجام نشده و دسته‌بندی نگردیده است و همه مطالب گردآوری شده در تکه‌کاغذهای مختلف مثل پاکت سیگار، کاغذهای یک رو سفید، تکه کاغذهای کوچک و بزرگ، تکه‌های روزنامه و غیره و در بعضی موارد با مداد نوشته شده که با گذشت زمان این کاغذها و نوشته‌ها فرسوده شده و در برخی موارد خواندن آن را مشکل نموده است.

با فوت زنده یاد شریعتی، فرصت جمع‌بندی و دسته‌بندی و حذف موارد تکراری و یا مطالبی که بار فرهنگی منفی در جامعه دارد نیز از دست رفت. بعد از فوت ایشان این مجموعه نامنظم و ناهماهنگ و تکه کاغذهای مختلف که در بیش از ۱۵ زونکن جمع‌آوری شده بود، از طریق خانواده‌ی ایشان در اختیار آقای محمد حسین خواجه رضایی مدیر مسئول انتشارات لاله کویر گذاشته شد. ایشان نیز با گذشت چندسال موفق شد این مطالب را با موضوعات مختلف کنار هم چیده، مطالب تکراری و زائد را حذف کند و آنها را دسته‌بندی نماید و با مشکلات فراوانی که در خوانش آن نیز داشته آنها را تایپ نماید که خود این مشکلی را به مشکلات فوق افزوده بود به گونه‌ای که مطالب تایپ شده عمدتاً به صورت گویش معیار ثبت گردیده است و آن گونه که گویشوران آن را بیان نموده است و آقای شریعتی یادداشت نموده است، منتقل نشده بود.

به هر حال کار انجام شده با صرف وقت زیاد و با زحمت طاقت فرسایی که ناشر متحمل شده بود و خانم فاطمه زارع که کار حروف چینی آن را انجام داده بود و آقایان سید هادی حیدری و مهدی گودرزی و سید علی رضوی بهابادی که کار بازخوانی اولیه و غلط‌گیری را انجام داده بودند که در

جای خود در خور توجه و قابل تقدیر است. ولی به چند دلیل این اثر کار قابل قبول و پذیرفته‌ای برای چاپ نبود. چون اولاً دست نوشته‌های شریعتی با دو یا سه واسطه به اثر حاضر تبدیل شده بود و در هر مورد بخشی از اصالت خود را از دست داده بود و با این که اثر به گویش یزدی بود ولی به شکل نوشتاری و عمدتاً به صورت فارسی معیار تایپ و ویرایش شده بود. و از طرفی نوشتار هر چه قدر هم با اعراب گذاری صحیح انجام شود نمی‌تواند بیان کننده‌ی گفتار باشد. بنابراین مطالب عرضه شده در کتاب ارزش گویشی خود را حفظ ننموده بود و اعتبار خود را برای چاپ به عنوان گویش یزدی از دست داده بود.

سرانجام در سال ۱۳۸۷ ناشر مطالب تایپ شده را به بنده سپرد تا آن را از دریچه زبانشناسی و به صورت علمی و تخصصی بررسی کرده، بازخوانی نمایم و آن را به گونه‌ای که بازگو کننده‌ی گویش یزدی باشد بارنویسی کرده، آوانگاری کنم. بنده نیز با توجه به این که قبلاً در زمینه گویش یزدی کار کرده بودم و به آن تسلط کافی داشتم آن را پذیرفتم.

مطالب تایپ شده از نظر گویش دارای اشکالات فراوانی بود. لذا ابتدا بازخوانی گردیده، به گویش یزدی روان برگردانده شد و سپس آوانگاری روی آن صورت گرفت تا برای هر غیریزدی یا حتی غیرفارسی زبان هم قابل خواندن باشد. یک صفحه از متن قبلی به اصلاحات و ویرایشی را که روی آن صورت گرفته تا به صورت گویش یزدی پذیرفته شده تبدیل گردد و نیز یک صفحه آوانگاری که روی آن انجام شده در بابان همین مقدمه عیناً آورده شده است تا بازگو کننده‌ی ایرادات و اشکالات کار انجام شده‌ی قبلی باشد.

به هر حال، تایپ و آوانویسی اولیه در دو مرحله بازخوانی و ویرایش گردیده تا کتاب به شکل حاضر به دست خواننده برسد. اکنون نیز ادعا نمی‌شود که کار انجام شده از نظر گویش یزدی یا آوانویسی بدون اشکال و کامل باشد. لذا از خوانندن و پژوهشگران در زمینه‌ی گویش یزدی انتظار دارد از نظرات و پیشنهادهای سودمند خود ما را بهره‌مند فرمایند تا ان شاء الله کمبودها و نقایص موجود کتاب در چاپ بعدی مرتفع گردد.

خوانندگان فرهیخته و ارجمند؛

دلم می‌خواهد بی‌پیرایه و خودمانی با کاستن حرف‌های همیشگی، چند کلمه‌ای با شما درد دل کنم. آری درست می‌بینید (درد دل)! اما این که چرا به جای صحبت‌های متداول می‌خواهم درد دل کنم، این را می‌توانید خودتان در پایان کلام دریابید

اینجانب علیرغم سالهای مدیدی که در زمینه چاپ و نشر عمری گذرانده و مویی سپید کرده‌ام لیکن هنوز هم که هنوز است، چیزی در درون من همواره در خروش و در غوغاست، بی‌شک این را همه‌ی آنهایی که دستی بر آتش دارند خوب می‌دانند که چگونه مقوله فرهنگ و تمام مواردی که با آن مرتبط منجمله چاپ و نشر کتاب جز با خون جگر خوردن و ملامت کشیدن هیچ نصیب دیگری ندارد، لیکن این فریاد و خروش درونی و عشق، آخر کار خودش را می‌کند، هر چند هر سال با خود عهد می‌کنم تا در سال بعد دیگر دور هر چه نشر و چاپ و ... خطی قلمز کشیده و این چند صباح باقیمانده را به خلوتی دنج خذیده و دمساز ثمره‌ی یک عمر تلاش بی‌وقفه‌ام باشم، اما چه کنم که علیرغم همه‌ی این مسایل، بار سال‌ها اشتاق تر از گذشته زندگی خود را با انواع و اقسام دست‌نوشته‌ها گره زده و با تعصبی بیش از پیش دوباره مشغول می‌شوم و ... حال تا به کجا ختم گردد و عاقبت با چه پیش‌آمدی تن به رهایی بدهم، خدا عالم است و بس ...

و اما در بین سنوات گذشته‌ام تاکنون کتب بشماره‌ی را روانه بازار ساخته‌ام که هر کدام آنها دارای مسایلی و مشکلاتی بوده‌اند که بعضی از آنها خاص و بعضی از آنها هم عام و مشترک بوده‌اند. هر یکی را به هر ترتیب یا همه‌ی دغدغه‌هایش تا به آخر ایستاده و به سرانجام رسانده‌ام، اما به هر حال وظیفه‌ی خود می‌دانستم تا کارهایی که به انجام می‌رسانم تا حد اعلای تلاشم را در خود مسطور داشته و اینکه تا چه اندازه در این راه موفق بوده‌ام، داوری آن را به عهده خوانندگان فهیم وا گذاشته‌ام.

اما حکایت کتابی که در پیش رو دارید، حکایتی ست پر زخواب جگر، به راستی حیران‌مانده‌ام که چگونه و از کجا شروع کنم تا شما خوانندگان عزیز هم شمه‌ای از به سرانجام رسیدن این

کتاب را بدانید که نه از سر دلسوزی بلکه به دلیل آگاهی از آنچه که به عنوان دست نوشته هایی بسیار نامنظم و تکراری و ... که در ۱۷ پوشه بوده است و امروز بعنوان کتابی در اختیار شما قرار گرفته، لااقل در جریان شمه ای از کار قرار بگیرید، تا اگر خواستید به داوری این کتاب برخیزید به چند و چون اولیه آن آگاه باشید.

همانگونه که می بینید این کتاب تألیف مرحوم علی اکبر شریعتی بنیانگذار تئاتر در یزد می باشد که حاصل تلاش و زحمات آن مرحوم در طول مدت چندین سال است، ایشان با پشتکار و علاقه عجیب خود به فرهنگ عام از هیچ دقیقه ای از دقایق عمر نگذشته و در تمام مدت جمع آوری هر زمان و در هر مکان و در هر وضعیت از نگاشتن مطالب کوتاهی نکرده تا آنجایی که می توان به عنوان شاهد مدعا به دست نوشته های ایشان بر روی هر ورق و کاغذ و حتی ورق کاغذ سیگارت و برگه های کاهی و برگه های چسبانیده شده به هم و کاغذ کالک و کاغذهای مختلف و رنگارنگ و کاغذهای یکطرف پشت نویسی شده و ... جهت جلوگیری از اسراف یا در دسترس نبودن کاغذ مناسب اشاره کرد. در این بین پرواضح است که چه بسیار مطالب که دوباره نویسی یا چندباره نویسی شده یا علیرغم زحمات نوشتاری ایشان به دلیل رعایت بعضی شئونات امروزه غیرقابل چاپ تشخیص داده شده و نوشتن و چاپ آنها گذار از خط فرمهای جامعه است البته همه ی اینها جزئی از فرهنگ و آداب این خطه کهن است. حال در چنین شرایطی ناگهان ز کنگره عرش صفیری برخاسته و مؤلف عزیز قبل از آن که بتواند یادداشت های خود را جمع و جور کرده، دسته بندی نموده، حذف و اضافه ای نماید و به قول معروف آماده چاپ تحویل ناشر دهد، صوت حق را لیکک گفته و فرمان یافت.

پس از گذشت مدتی خانواده محترم وی و نیز آقای مسرت که وصی فرهنگی ایشان بودند با اینجانب که در زمان حیات نویسنده در رابطه با چاپ این کتاب صحبتی شده بود، وارد گفتگو شده و بدون آنکه حقیر دست نوشته ها را ببینم (به گمانم که این یادداشت ها هم همچون دیگر دست نوشته های نویسندگان، آماده چاپ یا حداقل آماده ویراستاری است) قول این مهم نموده و منتظر رؤیت یادداشت ها بودم اما همین که چشمم به یادداشت ها و پراکندگی هایش افتاد نفس در سینه ام حبس شد! چرا که حتی تصورش را هم نمی کردم که دست نوشته ها تا این حد پراکنده و از هم گسیخته باشد. این یادداشت ها چیزی نبود که به راحتی کسی بتواند جمع و جور کرده، حذف، اضافه، بازنویسی و غلط گیری املایی و انشایی نموده و ویرایش و پالایش کرده و به سادگی از پس انبوه کاغذهای به هم چسبیده و ناهمگون و مطالبی که پراکنده شده در ۱۷ پوشه بود را با صرف وقت بسیار و حوصله ای کم نظیر آنها را آماده سازد تا بشود پس از آنهمه تلاش بی وقفه، ویرایش کرد و به دست چاپ سپرد. اما چاره ای نبود، عشق و ایمان به فرهنگ مردم، تنها دستاویزی بود که باعث روحیه ی ما بود هر چند سختی کار، بارها و بارها باعث دلسردی می شد اما رسالتی بود که باید به انجام می

رسید، در این میان همکاری های صمیمانه و دلسوزانه آقای ابراهیم (مهدی) گودرزی و ویرایش کار را به عهده داشتند و نیز زحمات گرانسنگ خانم فاطمه زارع ابراهیم آبا که زحمات تدوین و تایپ را به دوش گرفته بودند چراغهایی بود در تاریکی حجم سنگین کار، که در اینجا بر خود لازم می دانم از این عزیزان تشکر و قدردانی نمایم.

در هر حال و به هر نحوی که بود بالاخره این کتاب با همه ی فراز و نشیب هایش که اندوه آن نگفتم الا یک از هزاران هم اینک پیش روی شماست.

اینک هیچ نمی دانم که داوری شما خوانندگان فهیم و اندیشمند چه باشد. اما با توجه به پیشینه یی که از آن سخن روت و بسیاری از ناگفته ها که مکتوم ماند، امید آن دارم که این کتاب را با غمض عین از کم و کاستی هایش به عنوان تحفه ای ناقابل از ما پذیرا باشید که هدف ما تنها رضایت شما و به ثمر رسانیدن رسالتی است که بر دوش داشته و داریم. و دیگر امیدمان دست یاری شما فرهیختگان است تا به مدد شما بتوانیم در چاپ و نشر چنین کتاب هایی از حداقل اشتباهات و نارسایی ها نیز اجتناب کنیم. منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم و دست های شما را صمیمانه می فشاریم.

«والسلام»

محمد حسین خواجه رضایی

«بازی» صفا بخش روح است و دل جان را از بندهایی پیدا و پنهان می‌رهاند. بازی عملی است که در اصل و ریشه، جنبه اجتماعی دارد. زیرا با آن که فایده و اثر آن فردی است، لیکن دست یافتن به این فایده و اثر، جز با کوشش و عملی دسته جمعی میسر نیست به همین سبب، بازی وسیله‌ای است برای سرگرم کردن همه کسانی که در آن شرکت دارند، وسیله‌ای برای ایجاد نشاط و شادمانی همگان، کمتر بازی را می‌توان یافت که تماشاگران را نیز در آن نقش و سهمی نباشد از این‌ها گذشته، در بازی‌ها خاصیت «تبدیل کننده ای» نیز وجود دارد که باعث خنثی شدن کارهای مکرر و ملال آور روزانه و تبدیل آن به وجد و روحیه ای تازه می‌شود که همین امر زندگی را مطبوع و پر از نشاط می‌سازد و از طرفی بازی‌ها، آنچه را که در زندگی روزمره و در عرف، ناپسند و مذموم شناخته شده به امری قابل قبول و حتی پسندیده بدل می‌کند.

درباره نقش و اهمیت بازی‌ها در فرهنگ اقوام و ملل گفته‌ها و نکته‌های بسیاری مطرح شده و می‌شود و سؤالاتی نظیر این که: آیا بازی تقلیدی از رویداد های زندگی انسان است؟ آیا باید بازی‌ها را فقط تکرار و تقلید شمرد یا این که نوع خاصی از رابطه انسان با دنیای پیرامون خود است؟ آیا بازی نوعی تلف کردن وقت و شانه لاییدی است؟ آیا... اما فارغ از همه این سؤالات و چون چرا های دیگر، آنچه که مسلم است بازی از ضروریات زندگی است و در کوتاه کلام حضور بازی را در زندگی جوامع جدی باید گرفت.

و اما در مجموعه ای که در پیش روی شماست سعی شده از بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان و نوجوانان و جوانان یزد آنچه در خاطره نگارنده بوده، با توجه به گویش محلی، عینا به روی کاغذ بیاید و البته ادعایی هم نیست که آنچه که آمده فهرست کاملی از همه بازی‌های یزد است.

چه بسا بازی‌هایی در دیگر محله‌های یزد رایج بوده که نگارنده بدان بر نخورده است و یا اهالی آن محله‌ها آنها را از یاد برده باشند. همچنین نمی‌توان ادعا کرد که همه این بازیها خاص یزد است، بلکه برخی از آنها با مختصر تفاوتی در دیگر شهرها اجرا می‌شود. البته بعضی هم کلاً شناسنامه یزدی دارد. با توجه به کوششی که در این چهل، پنجاه سال برای گردآوری آنها بذل شده، ممکن است نواقصی هم بدان راه یافته باشد.

اما چنین انتظار می‌رود که خوانندگان فهیم و اندیشمند ضمن غمض عین از کاستیها و نواقص با
راهنمایی های خویش این مجموعه را غنی تر سازند.
بنابراین آنچه گذشت، بازی‌های محلی و سنتی کودکان و نوجوانان و جوانان در استان یزد،
بیش از این تعدادی است که از نظر شما می‌گذرد و شناسایی بیشتر آنها، زمان، سرمایه گذاری، وجود
برنامه ای مدون و همکاری دستگا ههای مربوطه و مردم را می‌طلبد یقیناً با توجه به وسعت زیاد استان
یزد و دور بودن فاصله آبادیها از یکدیگر احتمال می‌رود بیش از یکصدبازی محلی در این مناطق
شناسایی شود، که کاری است قابل تقدیر و بسیار ارزشمند.

«والسلام»
و من امرالتوفیق - علی اکبر شریعتی
دیماه ۱۳۷۶

یادداشت کانون فرهنگی شاه ابوالقاسم

فرهنگ عامه، نشانه‌ی هر قوم و ملت است و در طول زمان از میان شادی‌ها، غم‌ها، عشق و ورزیدن‌ها، ترس‌ها و امیدها شکل می‌گیرد و ماندگاری آن به دلیل حقیقت، صراحت و صداقت آن است، از این رو سینه به سینه نقل می‌شود و کتاب آن در قفسه‌ی سینه‌ی مردمان نگهداری می‌شود. طیف گسترده‌ی فرهنگ عامه از بازی‌ها تا شادی‌ها، از داستان‌ها تا غم‌ها، از ضرب‌المثل‌ها تا سرودها، همگی با آتش زمان آبدیده و مقاوم شده‌اند و عجیب آن که متناسب با شرایط زمانی و مکانی کاربرد پیدا می‌کنند.

ماشینزیم و رایانه دشمنان اصلی فرهنگ عامیانه‌اند و حضور تلویزیون و رسانه‌های مدرن چون ماهواره و اینترنت می‌تواند آن را در هم شکند و کم‌کم نابود سازد و چه بسا در آینده‌ای نه چندان دور لباس محلی، غذای محلی و حتی لهجه‌ی محلی در زیر آوار انفجار اطلاعات وارداتی نابود ناپدید شود. دیری نمی‌پاید که مردمان دهکده‌ی جهانی علائق خود را با داده‌های بیگانه همگون می‌سازند و چون در این وادی نقش فرهنگ خودی و به خصوص فرهنگ عامیانه کمرنگ است، بی‌هویتی فرهنگی بر جامعه عارض می‌گردد، بنابراین دلوپسی در این مورد بسیار جدی، عمیق و حزن‌انگیز است، تنها آثاری که به نحوی به فرهنگ عامیانه‌ی مردم مرتبط می‌شود، کاری‌پرازش و ظریف است که در کتاب حاضر توسط محقق باذوق مرحوم شریعتی گردآوری شده و سرشار از یادها، خاطرات، بازیها، ضرب‌المثلها، کلیات و اشاراتی است که با همدلی مرم سختکوش یزد عجین شده است.

کانون فرهنگی کوی شاه ابوالقاسم یزد، واقع در یکی از محلات قدیمی شهر، دل در گرو این فرهنگ دارد، این رو این کتاب را برگزیده و به چاپ آن اهتمام ورزیده است. پیش‌قدم شدن این محله در چاپ کتاب نشانه‌ی این است که این گونه محلات خاستگاه فرهنگ عامیانه است. کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ آن که معمولاً به بازارچه، آب‌انبار و حسینیه می‌رسد، حکایت از این فرهنگی عمیق، پیچیده و جاودانه دارد که متأسفانه به دست فراموشی سپرده شده است.

محله‌ی شاه ابوالقاسم در داخل حصار قدیمی شهر قرار دارد، بافت قدیمی و نظام مند آن شامل خانه‌های چهارفصل، آب انبار، ساباط، حسینیه و مسجد به همراه بازارچه و مدرسه و کارخانه‌ها که محلّ کار بوده، محیطی را ساخته است که محلّ کار و خرید و عبادت یکجا در کنار هم قرار می‌گرفته و به مردم آن زمان در حصار خود آرامش می‌داده است، به طوری که رفت و آمدهای بی‌مورد امروزی برای خرید، کار و تحصیل و عبادت از زندگی حذف می‌شد و به غول ماشینی اجازه دخالت در امور آنها را نمی‌داده است، این گونه محلات در یزد فراوان و بیشتر آنها در شرف نابودی است و اگر رونقی دارد به واسطه حضور بیگانگانی است که بی‌علاقه به سنتها، منش‌ها و روش‌های گذشتگان آن را اشغال نموده‌اند.

جمعی از اهالی محله شاه ابوالقاسم به منظور حفظ فرهنگ پربار گذشته، بار دیگر به این محله بازگشته‌اند و با احداث مرکزی به نام «کانون فرهنگی کوی شاه ابوالقاسم» سعی در حفظ غنای فرهنگی - مذهبی آن دارند که در این میان همّت آقایان سید محمد احرامیان و مهندس ناصروطن چی قابل تقدیر است.

اهتمام در چاپ این کتاب نیز در راستای این اعتقاد و به منظور جاودانگی فرهنگی عامه‌ی مردم یزد صورت گرفته است. امید آن که مورد توجه یزدیها، یزدی تباران و یزد دوستان قرار گیرد.

محمد امیر جلیلی

«کانون فرهنگی کوی شاه ابوالقاسم یزد»

تابستان ۱۳۹۲

فرهنگ عامه بنیانی پرریشه و ظریف

فرهنگ عامه یا فولکلور بخش مهمی از هویت فرهنگی هر قومی است. فرهنگ عامه ابتدا در محدوده ادبیات شفاهی چون ضرب المثل ها، قصه ها و افسانه ها، تعریف می گردید و لیکن به تدریج دامنه فرهنگ عامه به آداب و رسوم و معتقدات عامیانه و حتی هنرهای عامیانه نیز کشیده شده است و تقریباً در همه زندگی اقوام حضوری پررنگ و اثربخش دارد. فرهنگ عامه در زمانی طولانی و به تدریج شکل می پذیرد و رویدادهای گوناگون قومی، منطقه ای، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و حتی دینی در شکل گیری آن دخیل است که البته ماندگاری آن به عمق و کارائی آن در زندگی مردم وابسته است لذا آنچه از این فرهنگ به ما رسیده است دارای این ویژگی است و ریشه ای انبوه و گسترده دارد و لیکن از ساختاری ظریف و لطیف برخوردار است.

در دنیای مدرن، موج انفجار اطلاعات گوناگون که از طریق ماهواره ها و اینترنت و سایر رسانه ها در حال پراکنش است عاملی مخرب برای درهم شکستن این بنیان است و دیر یا زود این فرهنگ غنی در بین نسلهای آینده کم رنگ و بی اثر می گردد و فرزندان ما با فرهنگ عامه جامعه خود بیگانه خواهند شد.

در شهر دیرین یزد، شهر باستانی، شهری که قبل از ظهور رسانه های مدرن کمتر دستخوش هجوم فرهنگهای بیگانه قرار داشته است، گنجینه ای از نماد فرهنگ عامیانه نهفته است و ماندگاری آن به واسطه حضورش در زندگی مردم و تئیدن آن در ساختمانهای خشتی و کوچه پس کوچه ها کاهگلی، باریک و قدیمی شده است. این فرهنگ هم اکنون مورد تهدید دو عامل مهم است؛ رسانه های مدرن و خالی شدن بافت قدیمی شهر از مردم اصیل یزدی، بعید نیست که در آینده ای نه چندان دور لهجه شیرین یزدی، واژه های یزدی و فرهنگ متفاوت و سرشار از راستی، ساده ریستی، سخت کوشی یزدی به دست فراموشی سپرده شده و نسل های آینده از آن بی بهره گردند.

به عهده پژوهشگران و محققان یزدی است تا گوشه گوشه این فرهنگ را ثبت و ضبط نمایند و نگذارند طوفان سهمگین فرهنگهای بیگانه و غیرخودی بنیان فرهنگ عامه را براندازد و لذا نگارش آن تکلیفی است ملی که بر عهده ژرف اندیشان و علاقمندان و محققان یزدی قرار گذاشته شده است.

مرحوم علی اکبر شریعتی یکی از پیشگامان حافظ این فرهنگی غنی است. وی تمامی نمودهای فرهنگ

عامه یزد را گردآوری کرده و بخشی از آن در کتاب «فرهنگ یزد» بخشی را در کتاب «شب چره» در اختیار یزدیهای علاقمند قرار داده است.

کتاب «شهر من یزد» نیز نمونه دیگری از این کوشش ارزشمندست، امید است این کتاب که سرشار از واژه های اصیل یزدی، آئین ها بازیها، نامها، مراسم، سرگرمیها و... است و در روزگار نبود رسانه ها جزء زندگی مردم یزد بوده است بدین طریق برای نسل های آینده حفظ گردد.

واحد فرهنگی مجتمع تولیدی آروک یزد همواره در نام، شکل و طرح محصولات تولیدی خود به فرهنگ سنتی یزد توجه خاصی دارد و دیدگاه هیأت مدیره آن همواره حفظ میراث های فرهنگی یزد است، چاپ کتاب «شب چره»، همکاری در تعمیر و بازسازی کوچه آروک (مربوط به دوره ساسانیان) واقع در ابرندآباد، همکاری در ساخت مرکز فرهنگی محله قدیمی شاه ابوالقاسم یزد و تعمیرات بافت قدیم آن محله، ساخت آتشخانه حسینیه سیف و... نمونه ای از این اعتقاد است. و هم اکنون مساعدت در چاپ کتاب «شهر من یزد» افتخار دیگری است که نصیب این مجتمع تولیدی، با سابقه ای قریب به ۴۰ سال در صنعت پلاستیک کشور شده است. به امید پاسداری از فرهنگ سنتی و عامه شهرمان و با آرزوی ماندگاری فرهنگ اصیل یزدی و اشاعه آن در کشور به ویژه در صنعت کسب و کار.

دکتر غضنفر امیرجلیلی

«رئیس هیأت مدیره مجتمع تولیدی آروک یزد»

یزد در نگاه تاریخ

با وجود آرا و عقاید گوناگون پیرامون دیرینه شناسی و اسم این شهر، آنچه که برآن اتفاق نظر نسبی هست، این است که: هزارسال پیش از ظهور اسلام شهر «یزد» برپا بوده و نزد زرتشتیان باستان، شهری «مقدس» به شمار می آمده است به عبارتی یزد به منزله «کعبه» زرتشتیان آن زمان بوده و هنوز آثار آن زمان را در گوشه و کنار این شهر کهن می توان یافت.

گویند که اسکندر در این شهر زندانی برپا ساخته و مخالفین و رجال ایرانی را در آن محبوس می کرده است نیز می گویند که بانی یزد فعلی، یزد گرد (یزد گرد، یزد جرد) پادشاه ساسانی بوده است در زمان ملکشاه سلجوقی لقب «دارالعباده» به یزد داده شده و شاید اطلاق این لقب بنابر ملاحظات قبلی تاریخ یزد بوده است.

نخستین نام شهر یزد «ایساتیس» به معنی جای بز کوهی و در قلمرو مادیها بوده و کورش کبیر پس از آن که دولت ماد را منقرض ساخت این محدوده را به کشور خود پیوست نمود. دکتر لکه هارت انگلیسی در تطبیق یزد کنونی به شهر قدیمی ایساتیس تردید دارد. مرحوم آیتی هم در کتاب خود می نویسد: شهر مزبور در نج، شش فرسنگی جنوب غربی یزد بوده و احتمالاً بر اثر سیل از بین رفته است. بنا به عقیده عده ای از مورخان نام این سرزمین «کث» یا «کثر» به معنی کندن بوده است. صاحب بستان السیاحه می نویسد: «یزد شهری است مشهور. گویند از بناهای (یزد جردبن شهریار) است و باز به قولی (جردبن بهرام) احداث نموده است. همچنین در تاریخ پهلوی نوشته شده که: بانی نخستین شهر یزد، اردشیر بابکان بوده است.

«یزد» لغتی است مستقل و «یزدان» و «ایزد» از آن اشتقاق یافته به معنی «پاک و مقدس»، «فرخنده و مبارک». در اطراف یزد دهات و قصباتی وجود دارد که قبل از اسلام بوجود آمده و هر کدام دارای نامهای فارسی سره است مانند: مید، بیده، مهریز، پیروز آباد (فروز آباد)، اشکذر، هُرمیز، باردین، زارچ، تفت، مهرگرد (مهر جرد) توران پشت و

اظهر نظر چند تن از مورخین درباره یزد:

تاورینه: اگر می خواهی لذت زندگی را بجوشی همسر «یزدی» انتخاب کن و نان «ایزد خواست، بجو ...».